

## بسمه تعالی

یکی از مواردی که نشان می‌دهد دین ما یک دین «آسان» است و راه تربیت دینی و رشد معنوی انسان یک راه ساده و روشن است، توجه به نقش سازنده «خانواده» در اصلاح فرد و جامعه است؛ چون اصلاح انسان در «خانواده» واقعاً آسان است. ما معمولاً یا می‌خواهیم فرد را درست کنیم یا جامعه را، و کلید هر دوی اینها اصلاح خانواده است. ولی ما چون از راهش وارد نمی‌شویم، تصور می‌کنیم تربیت دینی و اصلاح فرد و جامعه از راه دین، سخت است.

ما بیش از اینکه دنبال جبران کاستی‌های خانواده‌ها توسط آموزش و پرورش باشیم، باید دنبال اصلاح خانواده‌ها باشیم، چون اصل تربیت در خانواده است. بچه‌ای که در یک خانواده خوب رشد کرده باشد، آموزش دادن به او بسیار راحت خواهد بود و قدرت یادگیری بالایی خواهد داشت. نیاز نیست آموزش و پرورش زیاد دنبال پُر کردن ذهن بچه‌های ما از محفوظات باشد، به جای افزایش حجم محفوظات، کمی تلاش کند با آموزش‌های حساب‌شده و فراگیر برای پدر و مادرها، مطالب عمیق و دقیق دینی را در جهت اصلاح خانواده‌ها، به والدین بچه‌ها ارائه دهد.

اگر ما آن مقدار که به اصلاح فرد یا جامعه اهتمام می‌ورزیم، به اصلاح خانواده اهتمام بورزیم و خانواده‌ها را درست کنیم، در این صورت هم فرد و هم جامعه خیلی آسان، اصلاح خواهند شد. اما اگر پایگاه کلیدی خانواده را رها کنیم، و بعد بخواهیم از راه‌های دیگری غیر از راه خانواده، افراد را اصلاح کنیم، به نتیجه مطلوب نخواهیم رسید. مثلاً این که مدام به افراد توصیه کنیم: «لطفاً اسراف نکنید! نظم ترافیک را رعایت کنید!» یا به مدیران جامعه بگوییم: «دست‌کجی نکنید! بیت‌المال را حیف و میل نکنید!» یا به سیاسیون بگوییم: «با هم دعوا نکنید!» خوب است، اما بهتر از همه اینها این است که که خانواده‌ها را اصلاح کنیم. اگر برویم خانواده‌ها را درست کنیم، خود به خود همه چیز درست خواهد شد.

## خانواده خوب خانواده‌ای نیست که صرفاً در آن دعوا و

### طلاق نباشد

قبل از اینکه بگوییم خانواده خوب چه خانواده‌ای است، مختصراً می‌گوییم که خانواده خوب چه خانواده‌ای نیست. اینکه در خانواده‌ای صحبت از طلاق نیست و با هم دعوا نمی‌کنند، دلیل بر این نیست که خانواده خوب و درستی باشد و بهره‌وری آن خانواده در حد کمال باشد. شاید در خانواده‌ای که دعوا و طلاق نیست، یک نفر دارد به دیگری ظلم می‌کند و آن دیگری می‌پذیرد یا تحمل می‌کند و به همین دلیل فعلاً نظم برقرار است، ولی معنایش این نیست که این خانواده واقعاً خانواده خوبی است. اینکه یک زن و شوهر ظاهراً با همدیگر خوب هستند، شاید دلیلش این باشد که یکی از آنها با اخلاق خویش دارد ظلم‌های دیگری را تحمل می‌کند. البته کسی که تحمل می‌کند آدم خوبی است ولی در مجموع به این خانواده، نمی‌شود گفت «خانواده خوب».

## خانواده خوب، خانواده‌ای است که اعضایش نیازهای هم را

### تأمین کنند نه اینکه همدیگر را تحمل کنند

خانواده خوب خانواده‌ای نیست که صرفاً در آن دعوا نباشد، بلکه خانواده‌ای است که محصولات این خانواده به لحاظ جسمی و روحی کاملاً تأمین باشند. اعضای این خانواده نباید کمبودهای روحی، روانی و عاطفی داشته باشند، این نیازها باید در خانواده تأمین شده باشد.

خانواده خوب، خانواده‌ای است که بیشترین نیاز و لذت‌های روحی و جسمانی اعضای خانواده را تأمین کند. هم فرزندان در روابط خانوادگی بیشترین لذت‌هایشان تأمین شود و هم زن و شوهر واقعاً لبریز و سرشار باشند. خانواده خوب، خانواده‌ای است که نیازهای همدیگر را کاملاً تأمین کنند. اعضای خانواده باید همدیگر را تأمین کنند نه اینکه همدیگر را تحمل کنند.

درست است که امکانات و تکنولوژی توزیع‌کننده فساد روز به روز دارد بیشتر می‌شود، اما اگر بچه‌های ما در «خانواده‌های

خوب» رشد کرده باشند، هیچ یک از این ابزارهای فساد نمی‌توانند بچه‌های ما را خراب کنند چون این بچه‌ها در خانواده‌های خودشان کاملاً اغنا شده‌اند و هیچ کمبودی (از جمله کمبود محبت) ندارند.

دختر خانمی که در یک خانواده خوب، رشد کرده باشد، وقتی در خیابان کسی به او بگوید: «من به شما علاقه دارم!» خواهد گفت: «چه آدم بی‌شخصیت و بی‌مزه‌ای! مگر آدم به یک غریبه‌ای که تازه‌حال او را ندیده این‌طور ابراز علاقه می‌کند؟!» یعنی نه تنها از این ابراز محبت، خوشحال نمی‌شود بلکه مشمئز می‌شود چون در خانواده خودش به قدر کافی محبت دیده و اصلاً کمبود محبت ندارد تا فریفته یک ابراز علاقه سطحی و خیابانی بشود.

آقا پسری که در یک خانواده خوب رشد کرده باشد حتی به ذهنش خطور نمی‌کند به یک دختر خانم متکلم بیندازد. و اگر در معرض کمک کردن به یک خانم جوان قرار بگیرد، کاملاً با حیا و نجابت رفتار می‌کند.

بچه‌ای که در خانه، دست‌پخت مادرش را که با محبت غذا درست کرده می‌خورد دیگر در بیرون خانه به این سادگی حاضر نمی‌شود غذا بخورد حتی اگر خیلی به او تعارف کنند.

## از یک خانواده خوب، معمولاً آدمی با کمبودهای روحی و

### روانی و عاطفی در نمی‌آید

خانواده خوب، استانداردهای خیلی بالایی دارد. از یک خانواده خوب، معمولاً آدم‌هایی با کمبودهای روحی و روانی و عاطفی در نمی‌آید. متأسفانه بعضی‌ها آن قدر در خانواده‌های خود کمبود محبت و کمبود عاطفه دارند که در خیابان دنبال تأمین آن هستند و بعد به جای اینکه نام آن را بی‌حیایی بگذارند نامش را عشق و محبت می‌گذارند! به جای اینکه بگویند من مشکل دارم و بیمار شده‌ام، با افتخار می‌گویند «من عاشق شده‌ام» امام صادق (ع) می‌فرماید: کسی که دلش از ذکر و محبت خدا خالی شد، خداوند او را مجازات می‌کند به اینکه محبت غیرخدا را در دلش می‌اندازد.

(سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْعِشْقِ قَالَ قُلُوبٌ خَلَّتْ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ حُبَّ غَيْرِهِ؛ امالی شیخ صدوق/ص ۶۶۸)

در یک خانواده خوب زن و شوهر بعد از سی سال زندگی مشترک، علاقه و محبتشان نسبت به هم خیلی بیشتر از ماه عسل خواهد بود. لذا وقتی یک ماشین عروس از کنار این خانم رد شود، هرگز حسرت روزهای اول زندگی مشترک خود را نمی خورد چون این زن و شوهر الان بعد از سی سال به مراتب احساس محبت بیشتری نسبت به هم دارند.

**راه رسیدن به لذت عمیق در خانواده «مبارزه با هوای نفس در محیط خانواده» است / اکثر کسانی که می گویند «انتخابم خوب نبوده» اشتباه می کنند**

خانواده خوب لذت انسان را بسیار عمیق تر از آن چیزی که هرزگی و تنوع طلبی برای کسی لذت تأمین می کند، تأمین می کند. منتها برای رسیدن به این لذت عمیق، راه و روشی وجود دارد که باید از همان راه برویم؛ این راه درست هم «مبارزه با هوای نفس در محیط خانواده» است. متأسفانه بعضی ها فکر می کنند راهش این است که دنبال بهترین همسر دنیا باشند! یعنی همسری انتخاب کنند که هیچ وقت از او خسته نشوند، و آن همسر به قدری خوش اخلاق، مهربان، متواضع و زیبا و بی نقص باشد که در طول زندگی هیچ مشکلی با او پیدا نکنند و این زیبایی و سایر خوبی های همسرشان تا آخر عمر تداوم داشته باشد! اینها دنبال یک گزینه کاملاً مناسب و بدون نقص هستند چون خودشان نامناسب و معیوب هستند!

البته معنایش این نیست که آدم در انتخاب همسر، دقت نکند یا دنبال گزینه های نامناسب باشد، ولی خوشبختی فقط با یک انتخاب خوب و درست به دست نمی آید، انسان باید خوشبختی را ذره ذره در طول زندگی مشترک به دست بیاورد و فقط همین خوشبختی است که لذت دارد و هر نوع خوشبختی غیر از این لذت عمیق و پایدار ندارد. کما اینکه خیلی ها هستند که بهترین همسر را دارند ولی خودشان بدترین آدم ها هستند و در کنار این همسر خوب، نه تنها درست نمی شوند بلکه فاسدتر و خرابتر هم

می شوند. اصلاً گاهی اوقات بد بودن همسر، عامل رشد یا کنترل انسان می شود.

زندگی سرشار از خوشبختی را باید «ساخت» نه اینکه آن را مثل جایزه های شانسی به طور اتفاقی و تصادفی پیدا کرد. خانواده خوب تصادفی نصیب آدم نمی شود و همه اش هم به انتخاب یک همسر خوب و مناسب بستگی ندارد. متأسفانه این خیلی سر زبان ها افتاده است که: «من انتخاب خوبی نداشتم!» اکثر کسانی که می گویند: من انتخاب خوبی نکرده ام اشتباه می کنند. بعضی ها خودشان آدم خودخواه و هواپرستی هستند و می خواهند دیگران برده آنها باشند و فقط به ساز آنها برقصند، لذا دنبال کسی هستند که با خواسته های آنها کاملاً همراهی کند ولی این ممکن نیست، چون آنها در زندگی مشترک، می خواهند فقط به هواپرستی خود برسند و به صورت یک طرفه لذت ببرند.

**اولین قدم برای داشتن یک خانواده خوب، اصلاح نگاه خود به مقوله خانواده است / کسی که لذتش را در هواپرستی می بیند، اصلاً به درد ازدواج نمی خورد!**

حالا چگونه می توانیم یک خانواده خوب داشته باشیم؟ اولین قدم برای پیدا کردن یک خانواده خوب این است که نگاه خودمان را به مقوله خانواده تغییر دهیم و اصلاح کنیم و بدانیم که خانواده چگونه جایی است. خانواده موقعیتی است که ورود در آن آدابی دارد؛ حضور در خانواده هم مثل حضور مسجد، آدابی دارد. همان طور که مسجد برای خودش حرمت دارد، خانواده هم حرمت دارد و باید خیلی از آداب را در خانه رعایت کرد، البته کسی مخالف راحت بودن انسان، در محیط خانواده نیست منتها راحتی در خانه هم حد و مرز دارد.

ادامه دارد ...

## خانواده خوب ۴

**چه کنیم تا خانواده موفقی داشته باشیم؟!**

جهت دسترسی به منابع مطلب به واحد فرهنگی مراجعه فرمایید

واحد فرهنگی  
بیمارستان خاتم الانبیا (ص)

